

## جلسه صد و بیستم

صورت مشروح مجلس  
یوم شنبه یازدهم دلو هزار و  
سیصد و سه مطابق ششم  
رجب المرجب یک هزار  
و سیصد و چهل و سه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
پریاست آقای موتمن الملک تشکیل  
گردید.

( صورت مجلس یوم پنجشنبه

نهم دلو را آقای آقامیرزا جواد  
خان قرائت نمودند )

رئیس - آقای طهرانی

( اجازه )

آقای شیخ محمد علی طهرانی -

بنده در دستور عرض دارم.

رئیس - آقای آقابیدیعقوب

( اجازه )

آقای سید یعقوب - قبل از دستور

عرض دارم.

رئیس - آقای تدین

( اجازه )

تدین - عرض بنده هم قبل از دستور

است.

رئیس - آقای روحی

( اجازه )

روحی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای شریعتمدار

( اجازه )

شریعتمدار - قبل از دستور عرض

دارم.

رئیس - آقای سهام السلطان

( اجازه )

سهام السلطان - بنده راجع بدستور

امروز عرض دارم

رئیس - آقای کازرونی

( اجازه )

کازرونی - راجع بدستور امروز

عرض مختصری داشتم

رئیس - معلوم می شود نسبت بصورت

مجلس ایرادی نیست

( گفتند - خیر )

رئیس - آقای طهرانی

( اجازه )

طهرانی - چون در جلسات قبل یکی

از اشیائی که جزو دستور گذاشته شد لایحه

راجع به معافیت دهات غارت شده سلماس

و خوی از مالیات بود استدعا میکنم آنرا

جزو دستور قرار بدهید اهمیتی هم ندارد

بعد هم پیشنهاد آقای دامغانی راجع به

طبع و نشر کتب مفیده پس از آن هم اگر

ممکن بشود قانون استخدام که گمان

می کنم تمام شده باشد جزو دستور

شود.

رئیس - آقای آقابیدیعقوب

( اجازه )

آقای سید یعقوب - بنده خواستم عرض

کنم چون بودجه وزارت مالیه آمده است  
و تقریباً تمام شده یا مشغول نوشتن هستند  
یک طرحی آقای شیروانی و جمعی از  
آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند راجع  
به عوائد بلدی که جزو عوائد مملکتی  
شده است و ایشان پیشنهاد کرده اند که  
عوائد بلدی هر شهری مخصوص به خودش  
باشد.

عده زیادی هم این پیشنهاد را امضاء  
کرده اند و گویا مجلس هم در این خصوص  
موافق باشد و کمیسیون مبتکرات هم  
خبرش را در این خصوص تقدیم مجلس  
کرده.

معتللی هم ندارد خیلی هم مفید  
است.

بنابر این استدعا میکنم مقدم بر همه  
چیز جزو دستور شود و پس از آن در مسائل  
دیگر وارد شویم.

رئیس - آقای تدین

( اجازه )

تدین - مقصود بنده جلب توجه خاطر  
آقایان نمایندگان محترم است بدو ماده  
یکی ماده چهل و شش و یکی ماده  
چهل و هفت از قانون محاسبات عمومی.

قانون محاسبات عمومی در دوره دوم  
مجلس در جلسه بیست و یکم صفر هزار و  
سیصد و بیست و نه هجری تصویب شده

حالا بطور کلی بموقع اجرا گذاشته  
نشده است.

آن یک موضوع دیگری است ولی  
دوماده در این قانون دارد که بمقتضای بنده  
خیلی قابل اهمیت است و طرف توجه  
است.

یکی از آن دوماده ماده چهل و شش  
است که میگوید همه ساله وزارت مالیه  
مكلف است صورت اموال منقوله  
دولت را ضمیمه صورت اولیه نموده طبع و  
نشر نماید و یک صورت هم تقدیم مجلس  
شورای ملی بکند.

اطلاع از دارائی دولت و اینکه اموال  
منقول و غیر منقولش چیست و آیا در ظرف  
سال تغییراتی نسبت به آن اموال واقع شده  
یا نشده.

تصور میکنم موضوعی است که طرف  
توجه عامه ملت باشد.

در حکومت مشروطه دولت نماینده  
ملت است و در واقع دارائی او دارائی  
ملت است و ملت باید از دارائی خودش  
مسبق باشد و یکی از لوازم اطلاع او این  
است که طبعاً از حیف و میل آن اموال جلوگیری  
خواهد شد.

بنابر این این دوماده را به عرض آقایان  
میرسانم و بعد هم مطالب خودم را عرض  
میکنم.

ماده ۴۶ میگوید:

وزیر مالیه صورتی که جامع فقرات  
ذیل باشد همه ساله تهیه نموده و طبع و نشر

میسازد.

الف - صورت تمام اموال غیر منقوله  
دولتی که مخصوص یک اداره دولتی یا  
تأسیسات عمومی است

ب - صورت تمام اموال غیر منقوله  
دولتی که مخصوص یک اداره دولتی یا تأسیسات  
عمومی نیست

ج - شرح تغییراتی که در عرض سال در  
املاك سابق الذکر بهم میرسد

ماده ۴۷ - صورت مذکوره در ماده  
قبل ضمیمه صورت کلیه اموال منقوله دولتی  
همه ساله بعد از طبع و نشر بمجلس شورای  
ملی تقدیم می شود.

در دوره چهارم خیلی در این خصوص  
اینجا مذاکره شد که یک مقدار زیادی  
از اموال منقوله دولتی حیف و میل شده  
است و چه شده است و بالاخره پس از  
مذاکرات زیاد نتیجه حاصل نشد و بنده  
هم این دوماده را به آقایان نمایندگان  
محترم تذکر دادم و حالا هم از مجلس  
شورای ملی تقاضا می کنم در صورتی که  
تصویب بفرمائید از طرف مجلس - وزیر  
مالیه تذکر داده شود که در اسرع اوقات  
این دوماده از قانون محاسبات را بموقع  
اجرا بگذارد و صورت کلیه اموال منقوله  
و غیر منقوله دولت را طبع و نشر نموده هم به  
مجلس بدهند و هم به عامه.

بعضی از نمایندگان - صحیح

است.

رئیس - آقای روحی

( اجازه )

روحی - بنده در دستور عرض داشتم  
اگر دستور مجلس همان دستور جلسه قبل  
است و قانون انتخابات جزو دستور امروز  
خواهد بود که بنده عرضی ندارم و تصور هم  
نمی کنم مورد اعتراض آقایان نمایندگان  
باشد.

اگر هم بنا باشد تغییر کند تقاضا میکنم  
قانون سجل احوال که شور دوم آن هم در  
کمیسیون تمام شده مقدم بر سایر چیزها در  
دستور معین شود.

رئیس - آقای دامغانی

( اجازه )

شریعتمدار دامغانی - ماده بیست  
و پنج قانون استخدام کشوری که ترتیب  
درجات و مراتب مأمورین را معین میکند  
در وزارت پست و تلگراف این ماده بموقع  
اجرا گذاشته نشده.

عجالتاً ماده شصت و شش این قانون  
را دارند بموقع اجرا میگذارند و تقریباً  
دویست سیصد نفر مردمان مستأصل عنقریب  
از کار خواهند افتاد.

بنابر این بنده خواستم تذکر بدهم  
که کمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام  
زودتر راپورتش را بدهم تا در مجلس مطرح  
شده و رفع این اشکالات بشود.

رئیس - کمیسیون راپورتش را داده

است.

آقای سهام السلطان  
( اجازه )

سهام السلطان - بنده پیش نهادی  
که تقدیم کرده ام خواستم تقاضا کنم اگر  
آقایان موافقت بفرمایند قانون سجل احوال  
جزو دستور شود.

رئیس - آقای کازرونی

( اجازه )

کازرونی - اولاً میخواستم عرض  
کنم چند فقره راپورت از طرف کمیسیون  
هرایض تقدیم مقام محترم ریاست شده است  
و تقاضا کنندگان منتظرند که تکلیف آنها  
زودتر از طرف مجلس معلوم شود.

برای اینکه یک کشمکش مابین  
آنها و اداره مباشرت پیدا شده است  
ثانیاً میخواستم عرض کنم علت اینکه  
دستو جلسه بعد در جلسه قبل باید معین  
شود.

غالباً و عادتاً برای این است که قبل  
از وقت مطالعه نمایند و لوابی که طبع  
شده است همراه داشته باشند و کور کورانه  
اظهار عقیده نکنند.

بنابر این بنده خواستم تقاضا کنم  
قانون انتخابات جزو دستور باشد.

چون آقایان نمایندگان راپورت آن  
را مطالعه کرده اند و محل نگرانی هم نیست  
و برای جلسه بعد اگر چیزی لازم باشد  
همین امروز معین نمایند که برای جلسه بعد  
آقایان درست درش مطالعه کرده باشند.

رئیس - آقای دست فیب

( اجازه )

دست فیب - چندین خبر از کمیسیون  
مبتکرات بمجلس تقدیم شده و همین طور  
مانده و در مجلس قرائت نشده.

یکی همان خبری بود که آقای  
طهرانی فرمودند راجع بخوی و سلماس  
یکی دیگر طرح پیشنهادی آقای  
داور و جمعی از آقایان نمایندگان محترم  
راجع باینکه مستخدمین دولتی و اعضاء  
هیئت های شوروی در موقع فراغت می-  
توانند تدریس کنند.

همین طور خبرهای دیگری تقدیم شده  
چندان مذاکره هم لازم ندارد.

مقصود بنده این است که این چیزها  
را جلو بیندازند و در قابل توجه بودن آن  
ها رای بدهند و وقت زیادی هم لازم  
ندارد.

یکی هم راجع بقانون استخدام  
مستخدمین کشوری بوده که قرار بود در آن  
خصوص تجدیدنظر بشود و مدتی است رفته  
و هنوز بیرون نیامده.

در صورتی که در نظرم هست راجع به  
چهار ماده آقای باستانی تقاضا فرمودند  
در خود مجلس مطرح شود.

یک نفر از آقایان فرمودند که رفته  
است کمیسیون تجدیدنظر نظر در قانون



(همه بنمایندگان)  
دست غیب-فرمانشانتان تمام شد؟  
خوشت حالا صبر کنید و قتیکه بنده عرضم تمام شد بفرمایند.  
عرض کردم ممکن است خود آقا سید یعقوب هم بیک طرحی پیشنهاد کنند هم در باب بستن سد مجرد و لیکن این مخالفت نیست و دلیل نمیشود بر اینکه سلسله و خوی که یک قدری خصوصیات شان از حیث خسارات بیشتر از خسارات سایر ایالات و ولایات است چون آنجا ها خسارات فوق العاده تری دیده اند راجع با سید علی آقا و جنگهایی که واقع شده و چه وجهی آخر و نظر باین خصوصیت فوق العاده که از حیث خسارات یک وقتی در آنجا واقع شده است از این حیث است که کمسیون مبتکران این طرح را قابل توجه دانسته و علاوه بر اینکه این معامله با خوی و سلسله شده چیزی ندارند که مالیات بدهند باقی موضوع است مالبه هم همینطور تشخیص داده که چیزی ندارند که از شان بگیرند و علاوه میخوام ببینم آقایان نمایندگان خودشان این طرح را قابل توجه میدانند که نسبت به آنها ترحمی بشود یا خیر؟ بلی آقایان موافقت.  
و بنده هم میدانم که نسبت بابالات و ولایات یک خسارت هائی از سال جنگ واقع شده است.  
این دلیل نمیشود که سلسله و خوی رحم نکنند چرا؟ که در شیراز و بندر عباس و تبریز بارها مرده خساراتی رسیده است! اگر بآنها خساراتی وارد آمده است به طوری که نمیتوانند مالیات بدهند مابقی ندارد که اگر بطوری خسارت به آنها وارد شده بدرجه که از هستی ساقط شده اند تصویب کنیم که مالیات ندهند.  
**بعضی از نمایندگان**- مذاکرات کافی است.  
**عماد السلطنه** - کافی نیست بنده سؤالی دارم.  
**رئیس**- آقای عماد السلطنه (اجازه)  
**عماد السلطنه**- بنده باین طرح مخالفم و علتش هم این است که دلائلی که آقا فرمودند وارد نیست.  
بنده موافقم که بخوی و سلسله اگر آنها چیزی ندارند در مالیات تخفیف داده شود ولی باین اصول که مالیات ۳ ساله خوی و سلسله را (باینریز و اصطیحات فرق نمیکند) بکلی تخفیف بدهیم با این اصل بنده مخالفم.  
ولی موافقم که بدولت تذکر داده شود که از خوی و سلسله میبزی بکنند هر چه عایدی دارد از او عشر بگیرند دیگر دلیلی ندارد که مابکر تبه مالیات خوی و سلسله را بیش از آن وقت آقا میگویند

شما یک طرح هم برای تبریز پیشنهاد کنید بسیار خوب فردا بنده هم بیک طرح برای نجف آباد پیشنهاد میکنم بالاخره مالیات مملکت باینطورها کسر میشود آن وقت معلوم نیست مخارجی را که داریم چه باید کرد؟  
بنده مخصوصاً آقای مخبر کمسیون مبتکران سؤال میکنم که آیا راجع باین طرح بخصوص با دولت مشاوره کرده اند یا خیر؟  
اگر کرده اند بفرمایند مبلغ مالیات ۳ ساله خوی و سلسله را که در این طرح بخشیده اند بفرمایند چقدر است.  
**دست غیب**- بنده هم سؤال آقای عماد السلطنه را جواب میدهم و فرمایند: شان بنده عرض نکردم که آقا سید یعقوب یا مخالفین باین طرح پیشنهاد کنند برای اینکه یک جایی را از مالیات معاف کنند و نگفتم متصل هر کس برای موکلین خصوصی و مسلم خودش (مثل بنده برای بندر عباس) طرحی پیشنهاد کنند که مالیات آن ها معاف شود.  
**قلین**- چرا فرمودید **مخبر**- بنده عرض کردم که آقا سید یعقوب میفرمایند سدر مجرد را خوب است به بنده پیشنهاد کنند ما هم موافقت میکنیم بنده عرض کردم به تبریز خسارت وارد آمده برای اینکه خود فارس هم هست و میدانم و اما اینکه فرمودند هر کس پیشنهاد کند من هم برای نجف آباد پیشنهاد میکنم بلی اگر نجف آباد هم در تحت نفوذ سلطه یا جنگ واقع شده است مثل خوی و سلسله شاهم پیشنهاد کنید.  
ولی عرض کردم خوی و سلسله خصوصیتی دارد و حالتش رفت و آراست مطابق اطلاعاتی هم که در این خصوص کمسیون مبتکران بدست آورده حتی خود بنده از یکی از آقایانی که امضا کرده بودند سابقه آنجا را داشتند مثل آقای مصدق السلطنه رسیدم فرمودند بلی واقفاً حالشان رفت آورد است و اینکه فرمودند عشر بگیرند بلی باید بگیرند.  
ولی اصل عشر بر این است که چیزی داشته باشند.  
سلسله و خوی چیزی ندارند که بگیرند.  
اما راجع بسؤالشان که فرمودند بلی این بتصدیق دولت است و دولت این تصدیق کرده است و از شان نگرفته و نمیتواند بگیرد.  
یعنی چیزی ندارند.  
اثاثیه خانه هم ندارند که از شان بگیرند.  
کمسیون مبتکران هم با کمال دقت ملاحظه اطراف این کار را کرده است و همین فرمایش آقای عماد السلطنه را که حالا فرمودند در کمسیون مبتکران مطرح شد و همین

فرمایشاتی که آقای آقا سید یعقوب می فرمایند که مبادا از این بیعت راه باز شود و فرمودند تمام نمایندگان و هر کس برای موکلین خصوصی خودش یک پیشنهادی بکنند تمام این ها در کمسیون مبتکران مطرح شد و بالاخره کمسیون مبتکران رأی داد چرا؟  
برای اینکه سلسله و خوی یک خصوصیتی دارد.  
برای خاطر آن که در آن خاک جنگ واقع شد و هر چه داشته اند ازین رفته حتی نه اثاثیه دارند نه نان دارند بخورند.  
آن وقت آقای عماد السلطنه میفرمایند هر کس برای موکلین خصوصی خود یک چنین پیشنهادی بکند.  
**بعضی از نمایندگان**- مذاکرات کافی است.  
(بعضی گفتند کافی نیست)  
**رئیس**- آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.  
(هدهد قلیلی برخاستند)  
**رئیس**- معلوم میشود کافی نیست آقای کازرونی  
(اجازه)  
**کازرونی**- بنده البته اساساً مخالف نیستم که یک ترحمی با هالی خوی و سلسله بشود بنده هم اطلاع دارم که نسبت بآنها یک ستم هائی رسیده است اما موضوع این است که ما باید چطور کار هارا بکنیم اگر این ترتیب است کمسیون مبتکران پیش گرفته که فقط برای اقناع مجلس یک کلمه (اساسی) در راپورت بنویسد که اساساً با چنین پیشنهادی موافقم.  
ممکن است هر یک از ما یک پیشنهادی بکنیم با اساسش بآن معنی که ایشان نظر دارند موافقت بکنند؟  
بنده فردا پیشنهاد میکنم که دوتا زینین وارد شود همه هم اساساً موافقت می کنند یا دوتا دریدانات وارد شود همه اساساً موافقت.  
البته همه اساساً موافقم که مالیات نسبت به مردم تخفیف داده شود اما اینطور نیست!!  
قانون یک تکلیفی برای این چیز ها معین کرده باید دولت را دید مذاکره کرد باید فهمید که عملی هست؟ نیست؟  
ممکن است؟ ممکن نیست؟ چطور باید کرد؟  
چطور نباید کرد؟ فقط همینطور با اساس موافقت؟  
البته بنده هم اساساً موافقم که برویم بکوه ماه یک سیاحتی بکنیم و کسی هم مخالف نیست.  
اما این رویه عملی نیست اگر بنا شود ما اینطور پیشنهاد هارا تصویب کنیم و تعقیب کنیم تمام امورات ما در معرض اختلال واقع می شود از این نقطه نظر بنده مخالف

هستم باین راپورت.  
**رئیس**- آقای آقامیرزا جواد خان (اجازه)  
**طهرانی**- آقا بنده اجازه کتبی سابق؟ خواستم.  
**رئیس**- موافقت؟ از حیث موافقت اجازه خواسته اند؟ ایشان خودشان امضاء کنند هستند بر جناح عالی مقدمند.  
**آقامیرزا جواد خان خونی**- خوشبختانه آقای آقا سید یعقوب و آقای عماد السلطنه اساساً مخالف باین طرح نبودند فقط مخالفان شان از یک نقطه نظر هائی بود که باید دولت را هم در این موضوع دعوت کرد و نظریات دولت را هم فهمید.  
بنده اولاً مجبورم یک قسمت از تاریخچه سلسله و خوی را بر عرض آقایان برسانم و بعد جریانی را که در این ۳ ساله دولت خودش اتخاذ کرده است آن را هم بر عرض آقایان برسانم و بعد البته آقایان خودشان میدانند تقریباً از اول جنگ بین المللی که آذربایجان مورد تهاجم طرفین یعنی دولتی روس و عثمانی واقع شد اسمعیل آقای سمیتقو به مناسبت این که مقدار قوای عشایری داشت اول بدولت روس طرفیت پیدا کرد و به مناسبت طرفیت ایشان دولت روس سلسله مگر در مکرر قشون کشی کرد و در هر جمله چندین مرتبه آنجا قتل و غارت کرد و آتش زد آقایان نمایندگان آذربایجان که حاضرند از قضا مطلع هستند مخصوصاً آقای مشیرالدوله که در آن موقع تصدی و رئیس الوزرا بودند تمام مراتب بر عرض ایشان میرسد و کاملاً اطلاع دارند بعد هم آقای مصدق السلطنه در آنجا تشریف داشتند مطلع هستند.  
بعد که اسمعیل آقا بر وسه تسلیم شد با عثمانی ها طرفیت پیدا کرد عثمانی ها هم بناسبت طرفیت اسمعیل آقا با آنها چندین مرتبه آنجا را مورد حمله قرار دادند و قتل و غارت کردند و بعد از آنکه روسها و عثمانی ها از آذربایجان یک قدری صرف نظر کرده و هر کدام کنار کشیدند آرامته دوم تهاجر کدام بابیت و بیست و پنج هزار قوای مسلم و مکمل بخوی و سلسله حمله کردند مخصوصاً سلسله و در حین که اسمعیل آقا هار شمیون رئیس آسوریه را بقتل رسانید مخصوصاً آسوریه با سلسله آمدند و تمام سلسله را آتش زدند حتی زن و بچه مارا تمام در مسجد پرمیکردند و همه را در مسجد آتش می زدند تمام نمایندگان آذربایجان حاضرند و اطلاع دارند و چیزی نیست که ممکن مانده باشد بعد از آنکه آسوریه آمدند و این کار ها را کردند و آتش زدند و کشتند اینها بکلی از حیز دارائی ساقط شدند و هیچ نداشتند.  
بعد از این قضایا طنین اسمعیل آقا که پیش آمد این املاک کلیه شش سال تمام در تصرف اسمعیل آقا بود و به چه وجه نه

مالکین و نه رعایا نمی توانستند بآن املاک بروند تهاجر رسد که در آنجا کشت و ذرع بکنند که هم خود و هم دیگران منتفع بشوند.  
در نهایت نیک که دولت موفق شد اسمعیل آقا را از آنجا خارج کرد خودش یک کمسیون از مالیه به آذربایجان فرستاد در تحت ریاست مستردانوی آمریکائی که الان رئیس مالییه مدان است با موافقت نظر دکتر میلیسیو و مستر جینی رئیس مالیه آذربایجان مستردانوی با یک کمسیون رفت آنجا و تمام دهات را ملاحظه کرد و تصدیق کرد که دولت سیصد هزار تومان اعانه باید بسلامت بدهد تا بتوانند رعایائی که الان در آن و تمام خاک عثمانی رفته و متواری هستند بکاک خودشان برگردند و آنجا مجدداً خانه و لانه خودشان را بسازند و مشغول کشت و ذرع بشوند متأسفانه برای اینکه کشت و ذرع دولت موفق نشد آن سیصد هزار تومان اعانه را بدهد رعایا هم تاکنون جمع نشده اند و میخوام عرض کنم الان در دهات آنجا در ده قسمت ۹ قسمت آن بی سکنه هستند.  
یک قسمت را مالکین با تحمل خسارات زیادی یکی دونفر رعیت را آورده اند گذاشته اند آنجا برای اینکه اصلاً نشانه آن ملک کم نشود نه اینکه از آنجا استفاده بکنند.  
الان از سلسله و خوی آنجا هائی که محل اشغال اکراد بوده دولت و نه مالکین هیچکس نمیتواند منتفع بشود اگر میتوانست دولت از آنجا مالیات بگیرد و خود دولت یک کمسیون بآنجا فرستاده و آنها رفتند آنجا و تشخیص دادند که نمیشود از آنها چیزی گرفت حالا برای اینکه بتوانند در ظرف این ۳ سال جمع شوند و خودشان را اداره کنند ما این پیشنهاد را کردیم و البته پس از ۳ سال مالیات خود را خواهند داد.  
اما اینکه آقای عماد السلطنه فرمودند باید بدولت مراجعه شود بنده تصور میکنم که این حرف از ایشان بعید باشد برای این که ایشان میدانند که این طرح جریانات دیگری هم دارد و باید پس از قابل توجه شدن کمسیون قوانین مالیه بروند و در آنجا هم البته دولت دعوت شود و با توافق نظر دولت تصمیمی اتخاذ خواهد شد و بعد راپورت آن بمجلس خواهد آمد و آقای عماد السلطنه در آن موقع ممکن است نظریات شان را بفرمایند.  
اگر در کمسیون قوانین مالیه رشد بنده عرضی ندارم و خوی و سلسله هم هیچ بنابر این از آقایان استدعای کنم که در قابل توجه بودن آن رأی بدهند و

بعد آقایان هر فرمایشی دارند ممکن است در کمسیون قوانین مالیه باید که راپورت آن بمجلس می آید بفرمایند.  
**رئیس**- پیشنهاد شده است که راپورت بکمسیون بر گردد ولی نسبت بکمسیون مبتکران مرسوم نبوده است که راپورت بکمسیون بر گردد.  
دونفر از آقایان هم اصلاحی پیش نهاد کرده اند این هم مرسوم نبوده است رأی می گیریم بقابل توجه بودن این طرح.  
آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)  
**رئیس**- قابل توجه شد خبر کمسیون فوائد عامه راجع برآمد بنده جز مطرح است ماده ششم.  
(شرح ذیل قرائت شد)  
ماده ششم- در صورتی که صاحب امتیاز بخواهد برای ساختن این راه شرکتی مطابق قوانین مملکتی از اتباع داخله تشکیل نماید باید اساسی و نظامنامه شرکت را با اطلاع وزارت فوائد عامه برساند و در آن صورت شرکت مزبور در حدود مسئولیت و اختیارات صاحب امتیاز قائم مقام مشارالیه بوده و تمام حقوق او را خواهد شد و تمهیداتی که بر طبق این امتیاز بر عهده صاحب امتیاز وارد بیاید بر عهده شرکت مزبور خواهد بود. مرکز شرکت نیز باید در ایران بوده و از هر حیث تابع قوانین مملکتی باشد.  
**رئیس**- آقای دامغانی (اجازه)  
**دامغانی**- البته اهالی دامغان و ساکنین آباد بیشتر در امتیاز این راه علاقه مند هستند و نفع و ضرر بیشتر متوجه آن قسمت است و چون خود صاحب امتیاز حاضر است شرکتی تأسیس نماید بدین جهت بنده پیشنهاد کردم که در این جا قید شود که اگر اهالی دامغان از راه بندر جز نادامغان و اهالی استر آباد از راه بندر جز تاستر آباد حاضر شدند که بقدر یک ربع مخارجش را کمک کنند صاحب امتیاز مجبور باشد که آنها را شرکت بدهد.  
**رهنامه خبر**- در این قسمت کدام میکنم محتاج باین پیشنهاد نباشد چون خود صاحب امتیاز در مد است که شرکتی تأسیس نماید و البته هر کس که تقاضای شرکت کند باو هم سهم خواهد داد و البته نباید صاحب امتیاز هم یک نظر خصوصی بدامغان داشته باشد و ندارد بنا بر این این پیشنهاد مورد ندارد چون طبیعتاً وقتی این امتیاز تصویب شد صاحب امتیاز برای تسهیل کار خود یک شرکتی تأسیس خواهد کرد و محتاج باین پیشنهاد نیست.  
**رئیس**- آقای ساکنینان (اجازه)  
**ساکنینان**- بنده میخوامستم راجع به ملیات آشوری ها در سلسله و خوی

توضیح بدهم.  
**رئیس**- راجع باین موضوع نیست در آخر جلسه اگر اظهاری دارید بفرمایید شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)  
**میر الرئیس**- موافقم  
**رئیس**- آقای آقا سید یعقوب  
جمعی گفتند- مذاکرات کافی است.  
**رئیس**- پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد آقای باستانی- بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل ضمیمه ماده ششم شود تبصره- هرگاه اهالی دامغان یا اهالی استر آباد یا بندر جز حاضر شوند ثلث مخارج ساختن راه مزبور را تمهید نمایند و تقاضای شرکت کنند صاحب امتیاز مجبور است این تقاضا را قبول نموده تأسیس شرکت کند  
پیشنهاد آقای دامغانی - پیشنهاد می کنم هرگاه اهالی دامغان لاقبل ربع مخارج را بعهده بگیرند برای شوسه شدن راه دامغان و بندر جز صاحب امتیاز مکلف است تأسیس شرکتی نموده اهالی دامغان را شرکت بدهد و همچنین در راه بندر جز با استر آباد با اهالی استر آباد به همین طریق معمول دارد.  
پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین - پیشنهاد می نمایم ماده ششم- بر تئیب ذیل اصلاح شود.  
ماده ۶- در صورتی که صاحب امتیاز بخواهد برای شوسه نمودن راه مزبور شرکتی الی آخر  
پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال- بنده اصلاح ماده ۶ قانون امتیاز راه شوسه بندر جز را شرح ذیل پیشنهاد میکنم.  
ماده ۶- صاحب امتیاز برای ساختن راه شرکتی الی آخر.  
پیشنهاد آقای کازرونی- بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶ اینطور اصلاح و نوشته شود.  
ماده ۶- صاحب امتیاز میتواند برای تسریع اجرای این امتیاز تشکیل شرکتی در داخله ایران بدهد و این شرکت باید مطابق قوانین و مقررات مملکتی تأسیس داده شده اساسنامه آن با اطلاع وزارت فوائد عامه برسد.  
پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین- پیش نهاد میشود که تبصره ذیل بداده ششم دلاوه شود.  
تبصره- صاحب امتیاز میتواند نیز شرکتی از اتباع خارجه بپذیرد مشروط باین که سهامی که به اتباع خارجه میدهد متجاوز از سی درصد نباشد.  
**رئیس**- ماده هفتم (شرح ذیل قرائت شد)  
ماده هفتم- صاحب امتیاز مجاز است در طرفین راه و در قاطعی که مقتضی باشد اینبه لازم راه را بنامد و اراضی که برای اینبه مزبوره یا برای خطر لازم باشد هرگاه اراضی باین خاصه باشد از طرف دولت مجاناً و اراضی دایر خاصه هم در صورت ضرورت برای خطر اراضی دایر خاصه که برای اینبه لازم باشد و هم چنین باینر و سایر

انتقال آن به اتباع خارجه و معاملات رهنی و شرطی با آنها در حدود این امتیاز دلاوه بر بطلان چنانچه خسارتی متوجه دولت شود بعهده صاحب امتیاز خواهد بود.  
**رئیس**- آقای دامغانی (اجازه)  
**شیر یعتمدار دامغانی**- بعقیده بنده اتباع خارجه در دولت مستبدیک قسم هستند که در مملکت نظریات سیاسی دارند و یک قسم هستند که نظریات اقتصادی دارند البته آن هائی که نظریات سیاسی دارند باید از شرکت کردن منع باشند صاحب امتیاز هم حق شرکت دادن آنها را ندارد ولی اتباع خارجه که نظر سیاسی ندارند و فقط سرمایه ایشان را برای اقتصادیات می آورند اگر حق داشته باشند آنها هم شرکت کنند البته بعمل نزدیک تر خواهد شد.  
**رئیس**- آقای عدل الملک (اجازه)  
**عدل الملک**- بنده باین ماده موافق هستم و این ماده را هم خیلی مناسب میدانم جمعی گفتند- مذاکرات کافی است.  
**رئیس**- پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد آقای باستانی - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷ به ذیل اصلاح گردد.  
ماده ۷- انتقال این امتیاز به اتباع خارجه و معاملات رهنی و شرطی با آنها در حدود این امتیاز بکلی ممنوع و موجب بطلان امتیاز خواهد بود ولی اگر صاحب امتیاز بخواهد موافق ماده ۶ تشکیل شرکت سهامی بدهد میتواند در تحت مسئولیت خود تصدی سی سهام به اتباع خارجه بقبند آنکه خریداران سهام در مسائل مربوطه بشرکت تابع قوانین و معاکمات ایران باشند و فروشند.  
پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین - پیشنهاد می نمایم ماده ۷ بر تئیب ذیل اصلاح شود.  
ماده ۷- این امتیاز به هیچ نحوی از انحاء قابل انتقال یا اجاره به اتباع خارجه الی آخر.  
پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو- بنده پیشنهاد میکنم اجاره دادن به اتباع خارجه هم در ضمن ماده ۷ زید بشود.  
**رئیس**- ماده ششم (شرح ذیل قرائت شد)  
ماده ششم- صاحب امتیاز مجاز است در طرفین راه و در قاطعی که مقتضی باشد اینبه لازم راه را بنامد و اراضی که برای اینبه مزبوره یا برای خطر لازم باشد هرگاه اراضی باین خاصه باشد از طرف دولت مجاناً و اراضی دایر خاصه هم در صورت ضرورت برای خطر اراضی دایر خاصه که برای اینبه لازم باشد و هم چنین باینر و سایر

غیرخالصه را صاحب امتیاز بقیمت عادی  
خریداری خواهد کرد و هرگاه صاحبان  
اراضی مزبوره حاضر بفروش نشوند صاحب  
امتیاز بوزارت فوائد عامه مراجعه خواهد  
کرد که برای حفظ منافع عمومی مداخله  
نموده و قرار عادلانه بدهد.

رئیس- آقای دامغانی  
دامغانی- عرضی ندارم  
رئیس- آقای عبدالملک  
عبدالملک- عرضی ندارم  
رئیس- آقای کازرونی  
کازرونی- موافقم  
رئیس- آقای آقاسید یعقوب  
آقاسید یعقوب- موافقم  
رئیس- آقای شیروانی  
شیروانی- موافقم  
رئیس- آقای دستغیب  
(اجازه)

دستغیب- این ماده بعقیده بنده  
ابهام دارد و گذشته از اینکه بعضی جملاتش  
ابهام دارد بنده متقدم که در هر لایحه قانونی  
خاصه امتیاز بنایستی ابهام را قائل شد باید  
آن را بطوری صریح نوشت که معلوم باشد  
بعد اسباب زحمت نشود.

حالا ماده را میخوانم تا به بنیاد ابهام  
دارد بانه صاحب امتیاز مجاز است در طرفین  
راه در نقاطی که مقتضی باشد البته لازمه  
بنایند.

این نوشته شده است مقتضی باشد لابد  
هرجائی را که صاحب امتیاز مقتضی بداند البته  
لازمه بنایند.

مثلا صاحب امتیاز میگوید دو فرسخ  
۳ فرسخ از طرف راه را امتنضی است برای  
حفظ راه البته بسازم و در قانون هم جلو گیری  
از این ترتیب نکرده است و این نکته را در  
موضوع امتیاز نفع هم متذکر دادم.  
دیگر این که در این ماده نوشته شده  
است و اراضی که برای این بنده مذکور یا  
برای خطر راه لازم باشد.

هرگاه اراضی باثر خالصه باشد از  
طرف دولت مجاناً و اراضی دایر خالصه هم  
در صورت ضرورت برای خط راه تا بقای  
امتیاز و اگذار خواهد شد.

در این جا هم بنده باین جمله مخالفم  
برای اینکه در این جا دولت هم امتیاز داده  
است و هم مقداری از املاک را با او اگذار  
کرده است.

باز میخوانم ولی اراضی دایر خالصه  
که برای این راه لازم باشد و هم چنین  
باثر و دایر غیر خالصه را صاحب امتیاز بقیمت  
عادی خریداری خواهد کرد و هرگاه صاحبان  
اراضی مزبوره حاضر بفروش نشوند صاحب  
امتیاز بوزارت فوائد عامه مراجعه خواهد کرد که برای  
حفظ منافع عمومی مداخله نموده و قرار عادلانه  
بدهد.

این جا دوسه شق دارد یعنی اگر بنده  
که صاحب ملک هستم حاضر نشدم برای اینکه

ملک خود مرا بفروشم و این ملک هم برای  
صاحب امتیاز خیلی لازم است او چه کار خواهد  
کرد؟ صاحب امتیاز بوزارت فوائد عامه  
مراجعه خواهد کرد و وزارتخانه هم من می-  
گوید که باید بفروشی چه چیز مرا ملزم می-  
کند که ملک خود مرا بفروشم وزارت فوائد  
عامه نمی تواند مرا مجبور کند و نفی تسلط  
از ملک من بکند.

این جا برای اینکه کسی نگویید  
که هیچکس نمیتواند در ملک متصرفی کسی  
دیگر مداخله کند آقایان اعضاء کمیسیون  
جواب اعتراض حفظ منافع عمومی را در نظر  
گرفته اند بنده نمیخواهم که در این قسمت  
زیاد توضیح عرض کنم ولی بالصراحه عرض  
میکم که حفظ منافع عمومی ملک را از  
تعرف در ملکش بزمیدار مالک بر ملک  
خود مسلط است و هیچکس نه دولت نه وزارت  
فوائد عامه نمیتواند مالک را از تسلط بر ملکش  
بار بدارد این یک کلمه لاستیکی و کشدار  
است و عقیده ما این است که مالک بتسلط  
در ملک خود باقی است و این جمله خلاف  
قانون است و نباید در قانون نوشته شود.

رئیس- آقای عبدالملک  
(اجازه)

عبدالملک- آقای دستغیب  
فرمودند که این ماده ابهام دارد بعد منتفت  
شدند که ابهام ندارد برای این که بعد خودشان  
قضیه را گفتند معلوم شد که ابهام ندارد و  
خیلی هم صراحت دارد و باید باین کسانی  
که در مورد اقدام باین کارها دخالت می-  
کنند مساعدت و معاونت کرد و بالاخره با  
آنها هزار گونه کمک کرد کسیکه میخواهد  
راه را درست کند چه ضرر دارد که یک مقداری  
از اراضی خالصه را ب اختیار او اگذار کرد  
و البته آقای دستغیب هم اطلاع دارند که  
در آن حدود اراضی باثر بقدری زیاد است  
که آباد کردن آنها برای رعایا مشکل است  
و قسمت عمده اراضی همینطور بی مصرف  
مانده است برای اینکه وزارت آن جا اغلب  
دیم است.

اما کلمه که محل نظر آقای دستغیب واقع  
شد قیمت عادلانه بود در صورتیکه کلمه عادلانه  
کلمه بسیار خوبی است برای این که قیمت  
عادلانه در موقعی که یک چیز محل توجه واقع  
شود نسبت بزمان عادی فرق میکند و خبره  
وقتی به بنده یک اراضی محل توجه است بیشتر  
قیمت میکند.

بعلاوه منافع عمومی را هم باید تأمین  
کرد مثلا در یک موقعی ضرورت پیدا میکند  
که یک ملکی را داخل در راه نماید البته آن  
وقت خود صاحب امتیاز هر طور مالک را اراضی  
میکند این خیلی مهم است و اگر آقایان از  
آن جا ها اطلاع داشته باشند میدانند که  
حل این قبیل مسائل بواسطه کدخداهائی  
که معمول است خیلی آسان و سهل است  
بعضی گفتند مثلا کرات کافی است.  
رئیس- پیشنهادی از طرف آقای

دامغانی رسیده است قرائت میشود  
(شرح ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم در ذیل ماده هشت  
الحاق شود: تصدیق عدل از اهل خبره محل که  
کمتر از ۱۰ نفر نباشد و اکثریت تقدیم آنها  
مناط است.

رئیس- ماده نه  
(شرح ذیل خوانده شد)  
ماده نه- صاحب امتیاز در روی کلیه  
رودخانه ها و مجاری و میاه کارها را قطع می-  
نماید پلهای محکم خواهد ساخت و مجرای  
نهرهای را که عمق آن یک ذرع یا کمتر است  
است سنگ فرش خواهد کرد اگر مالکین  
اطراف جاده علاوه بر نهر های موجوده  
بخواهند در وسط جاده نهر جدیدی حفر و  
احداث نمایند یا سستی در ظرف یک هفته این کار  
را انجام دهند در صورت تخلف صاحب امتیاز  
حق خواهد داشت نهر مزبوره را ساخته  
و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت  
دارد.

رئیس- آقای دامغانی  
(اجازه)  
دامغانی- عرضی ندارم  
رئیس- آقای آقاسید یعقوب  
(اجازه)

آقاسید یعقوب- موافقم  
رئیس- آقای شریعت زاده  
شریعت زاده- موافقم  
رئیس- آقای شیروانی  
شیروانی- موافقم  
رئیس- مخالفی ندارد؟  
بعضی از نمایندگان- خیر  
رئیس- ماده دهم  
(بسطور خوانده شد)

ماده دهم- صاحب امتیاز در آن قسمت  
از راه که از کوهسار عبور میکند از طرف  
درو باید دیوار احتیاطی و پناهگاه محکمی  
از سنگ و آهک بسازد و این دیوار باید اقل  
۱۲ کمره عرض ۱۲ کمره ارتفاع داشته  
باشد.

رئیس- آقای دامغانی  
دامغانی- البته این دیوار احتیاطی  
که این جا در نظر گرفته شده است برای  
این است که پناهگاه عابرین باشد که یرت  
نشوند از این جهت ۱۲ کمره ارتفاع  
کافی نیست و اقلا باید یک ذرع و نیم ارتفاع  
داشته باشد.

مخبر- در این قسمت اگر نماینده  
محترم توجه میفرمودند براه بین طهران و  
قره تو و طهران و انزلی که مباشرت آنها هم  
اروایی بوده اند و خیلی هم این راه را خوب  
ساخته اند ملاحظه میفرمودند که همان راهی  
که بطرف قره تو می رود دیوار احتیاطی آن  
همین اندازه ارتفاع دارد و بیش از این هم  
محتاج نیست و لزومی ندارد از طرف دیوار  
بروند که بیفتد والا اگر بزور بخواهند هم  
دیگر راهول بدهند در صورتیکه ارتفاع

دیوار یک ذرع و نیم هم باشد یرت  
میشوند.  
جمعی از نمایندگان- مذاکران  
کافی است.  
رئیس- پیشنهاد آقای یاسائی قرائت  
میشود.  
(شرح آتی خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دهم  
نوشته شود که یک ذرع و نیم ارتفاع داشته  
باشد.

رئیس- ماده یازدهم  
(شرح ذیل قرائت شد)  
ماده یازدهم- صاحب امتیاز مجاز است  
که پس از ساخته شدن یک ربع از راه بطوری  
که مورد تصدیق وزارت فوائد عامه باشد  
حق العبور متناسب با طول راه ساخته شده  
مطابق تعرفه ای که در طریق شوسه دولتی  
معمول است برای عبور از قسمت ساخته  
شده راه دریافت دارد و میزان حق العبوری  
که صاحب امتیاز خواهد گرفت باید قبلاً به  
تصویب دولت رسیده باشد.

رئیس- آقای دامغانی  
(اجازه)  
دامغانی- بعقیده بنده این ماده مهم  
است چون راجع بحق العبور است و حق-  
العبور هم در راهائی که دست دولت است  
مختلف است.

دیگر اینکه ممکن است بطوری  
که عقیده اغلب آقایان نمایندگان است باج  
راه و حق العبور ساقط شود.  
آن وقت تکلیف صاحب امتیاز چه  
خواهد بود؟  
بعلاوه این حق العبوری که دولت الان  
دارد میگیرد مطابق یک ترتیبی است که  
فعلاً دارد اجرا میکند ممکن است بعد ها  
تغییر کند و طور دیگر بگیرد و معلوم نیست  
صاحب امتیاز مطابق ترتیب امروزه باید  
حق العبور بگیرد یا مطابق ترتیب بعد پس  
باید این را معین کرد که در چه مورد باید  
حق العبور بگیرد و چه شکل باید بگیرد.  
دیگر اینکه دولت الان دارد از مسافر و  
از مالش حق العبور میگیرد از اتومبیل و  
مسافری که توی اتومبیل است حق العبور  
میکبرد و صاحب امتیاز البته این نظر را  
نخواهد داشت دیگر اینکه عبارت این ماده  
یک قدری هم با هم متناقض است زیرا می-  
نویسد وقتی که از طرف بندرج شروع  
کند بعد از ساخته شدن یک ربع راه حق  
دارد حق العبور بگیرد اما اگر از طرف  
دامغان باشد نصف راه را که ساخت حق-  
العبور دریافت میکند در صورتیکه اگر ما  
درست سابقه باین راه داشته باشیم معلوم  
میشود که از دامغان بندرج یک قسمت  
زیادی محتاج بساختن نیست و راه مسطح  
است و اشکالاتی که دارد یک مقداری از  
راه دامغان بندرج است که تقریباً دو  
فرسخ و نیمش اشکال دارد و آن قسمتی

است که متصل ببندرج است بعقیده بنده  
وقتی که از بندرج شروع کند حق العبور  
را وقتی حق دارد بگیرد که یک ربع راه  
را درست کرده باشد و وقتی که از دامغان  
شروع کرد وقتی حق العبور حق دارد بگیرد  
که یک ربع راه درست کرده باشد از یک طرف  
یک ربع قرار دادن و از طرفی نصف قرار  
دادن این با هم ضد است پس بعقیده بنده  
باید از یک طرف یک ربع و از طرف دیگر  
یک ربع قرار بدهند.

رئیس- آقای عبدالملک  
(اجازه)  
عبدالملک- بنده باین ماده مخالفم  
رئیس- آقای شیروانی  
(اجازه)  
شیروانی- بنده هم مخالفم  
رئیس- آقای سرکشیک زاده  
(اجازه)  
سرکشیک زاده- بنده عرضی ندارم  
رئیس- آقای یاسائی  
(اجازه)

یاسائی- نظریاتی را که آقای دامغانی  
فرمودند تا یک اندازه صحیح است ولی  
مجالاً ممکن نیست یک میزان حق العبوری  
تعیین شود و باید همینطور بنظر دولت  
واگذار کرد بترتیبی که در طرق شوسه  
دیگر معمول است و یک باجهائی گرفته  
میشود- صاحب امتیاز هم وقتی که راه را  
شوسه کرد همانطور حق العبور بگیرد و  
بنده هم پیشنهاد کردم که میزان حق-  
العبوری که دولت از طهران تارشت می-  
گیرد بعد از ساخته شدن این راه را از  
بندر جزیرا دامغان یا استر آباد هم همان  
اندازه گرفته شود و البته میزان را که دولت  
از راه شوسه طهران تا رشت میگیرد نمی-  
شود الان در این قانون پیش بینی کرد  
بطور تشخیص که از فلان مال فلان مبلغ  
بگیرد و از الاغ چقدر و از اتومبیل و قاطر  
و بالاخره این را معلومی شود تشخیص  
داد و ممکن است حق العبور ها و باج ها  
در طرق شوسه دولتی هر سالی یک حکمی داشته  
باشد و یک ترتیبی باشد.  
مثلاً یک وضعیاتی در حدود دامغان و  
استر آباد پیش بیاید یک ارزانی ها و تفاوت  
نرخهائی موجب بشود که حق العبور کم  
گرفته شود و ممکن است برعکس یک گرانی  
هائی پیش بیاید که باعث شود حق العبور  
زیاد گرفته شود.

خلاصه وضعیت هر روز را دولت باید  
در نظر بگیرد و تشخیص بدهد البته صرفه  
مردم را هم دولت در نظر دارد- صاحب  
امتیاز هم چون یک شخص با یک نفس خوش  
بینی است همیشه مایل است که عادلانه با  
مردم معامله کرده باشد.  
رئیس- آقای آقا میرزا شهاب  
(اجازه)  
آقا میرزا شهاب- بنده تصور میکنم

مقصود از این پیشنهاد امتیاز همین ماده است  
که باسم شوسه کردن یک قسمت راه یک  
مبلغ باج از هر مسافر و هر درشکه که از  
آنجا عبور میکند گرفته شود در صورتیکه  
این ماده خیلی نواقص دارد که یک قسمتش  
را آقای شریعت زاده فرمودند.  
اولاً اینکه چرا بعد از ساخته شدن  
یک ربع راه مگر باج راه را که می گیرند  
قسمت میشود روی فرسخها و ذره ها این هیچ  
فلسفه ندارد که یک ربع راه را که ساخت  
حق العبور بگیرد و از یک طرف نزدیک نصف  
که آقای شریعت زاده فرمودند تقریباً نصف  
این راه که ساخته است نتیجه این ماده این  
میشود که یک چوب این طرف و یک چوب آن  
طرف میگذرانند و هر مسافری که می رود  
یک مبلغی میخواهند در صورتیکه بنده هر  
روزی در این جامی بینم که آقایان (بخصوص  
طریق شوسه) شکایت میکنند که یک اتومبیل  
که از یک جا میگذرد بایستی بقدر کرایه  
اتومبیل یا شاید بقدر قیمت اتومبیل باج  
راه بدهد از اینجا تا قاره تو تقریباً شصت و  
پنج تومان یا ۷۰ تومان بایستی باج راه داده  
شود حالا هم مجلس تصویب کند که صاحب  
امتیاز پس از ساختن یک ربع راه یا نصف  
راه وقتی که ساخت شروع باخذ حق-  
العبور نماید و البته آن یک قسمت راه هم که  
ساخته است و طبیعی است از آن جا هم  
حق العبور بگیرد؟ آن وقت هم معلوم نیست  
که آیا باید از سواره گرفت؟ از پیاده گرفت؟  
در صورتیکه اغلب اشخاصی که از این راه  
ها عبور میکنند دارای یک یا دو الاغ هستند  
و هیچوقت محتاج به شوسه کردن راه نیستند  
شوسه کردن راه برای اشخاصی مفید است  
که میخواهند با دستکام یا درشکه و کالسکه  
و اتومبیل حرکت کنند یا مال التجاره حمل  
کنند والا اشخاصی که یک الاغ دارند و  
عبور میکنند محتاج شوسه کردن راه نیستند  
و نباید حق العبور بدهند و بعقیده بنده وقتی  
که تمام راه ساخته شد آن وقت باید حق-  
العبور بگیرند و آنهم استثنائی داشته  
باشد یعنی از شخص مسافر پیاده بگیرند  
و آنهایی هم که یک الاغ برای خار کشتی  
دارند از آنها هم بگیرند.

مخبر- اساساً راجع بقسمت باج راه  
ها یک عقیده پیدا شده است که بایستی باج  
را بگیرند و اصولاً هم صحیح است و اساساً  
برای حمل و نقل و مال التجاره خیلی مفید  
است که باج راه گرفته شود ولی در چه  
موقعی باید این حق را بگیرند و مجلس  
کجا است؟ راههای شوسه که از ابتدای  
جنگ بین المللی یا قبل از جنگ مادر اشدیم  
و یکی هم راه طهران بقره تو در قسمت  
راه طهران با نزلی البته تمام آقایان  
نمایندگان در خاطر دارند که نصف باج فعلی  
را هم نمی گرفتند و حالا گفته میشود که

باج راه نگیرند این بجای خود صحیح است  
خیلی خوب ولی گفته میشود که تقریباً یک  
میلیون و نیم دو میلیون که برای مرمت راهها  
لازم است از کجا باید داده شود. یکی  
دیگر اینکه اساساً این قضیه دومرطه است  
یکی آن راههای ساخته شده است البته باید  
سعی کرد از راههائی که ساخته شده است  
باج راه را برداشت و البته مجلس شورای  
ملی باید این باج را از بین بردارد ولی  
برای راههای شوسه نشده هم باید باج را  
برداشت آن وقت باید که ۱۰ میلیون ۱۵  
والا یک کمپانی نمی آید صد هزار تومان یا  
پانصد هزار تومان سرمایه خودش را خرج  
کند و راه بسازد و حق العبورش را بگیرد  
این درست طرف افراط و تفریط رفتن است.  
یک مرتبه گفته میشود باج راه ساخته شد را  
نگیرند یک مرتبه هم گفته میشود که اساساً  
بیایند و راه بسازند و دولت پول ندارد بسازد  
مردم خودش سرمایه زیادی بریزند و پول  
باج هم نگیرند یا بنظر البته تصدیق  
میفرمایند که نمی شود یک مملکتی را آباد  
کرد. حالا آدمیم سر قسمت های دیگر  
اینکه میفرمایند این راه یک قسمتش ساخته  
شده است از قرائی که مطمئن در کمیسیون  
اظهار نظر می کردند یک قسمت این راه کوه  
است و باین جهت است که در آن قسمتی  
که کوه واقع است قید شده است نصف  
راه برای اینکه برسد بآن حدی که از آن  
جا بزمین هوار تجاوز کرده باشد و  
البته باید سرمایه زیادی داشته باشد که بتواند  
کوه تو تیرا بشکافد و راه درست کند در این  
صورت البته باید باج راه هم بگیرد اما  
اینکه میفرمایند چطور باید داده شود عرض  
میکم همانطور که در راههای شوسه معمول  
است که از روی فرسخ معین کرده اند این را  
هم تقسیم بندی میکنند بفرسخ و آن وقت  
یک باج راهی معین میکنند بنابر این البته  
اگر نمایندگان محترم بخواهند از راههای  
شوسه نشده هم باج راه را بردارند البته خیلی  
خوبست ولی باید یک بودجه پنج شش میلیون  
هم منظور کنند برای ساختن راه و البته یک  
کمپانی که آمد و سرمایه خودش را ریخت و  
راهی ساخت اگر نفع نبرد داعی ندارد که  
سرمایه خود را خرج کند.

جمعی گفتند مثلاً کرات کافی است  
رئیس- اجازه میفرمایند بقیه مذاکرات  
بماند برای فردا چند فقره خبر از کمیسیون  
مرخصی رسیده است قرائت میشود.  
(شرح ذیل قرائت شد)  
آقای زهم نماینده محترم بوسیله مشروح  
که بمقام جلیل است مجلس مقدس نوشته اند  
مدلل داشته اند که بواسطه مرض فقید و جهت  
معامله آن مجبور بزمینت بارو یا هستند والا  
تقاضای ۳ ماه مرخصی از روز حرکت  
کرده اند کمیسیون این تقاضا را بپذیرد  
و انسته تصویب می نماید.

رئیس- تصویب شد.  
آقای آقاسید یعقوب- بلایند این هائی  
که فرمودید باشد.  
رئیس- خبر چه فرمودید؟  
آقاسید یعقوب- خبر در شمسک.  
رئیس- آقای شیروانی  
(اجازه)  
شیروانی- مکرر پیشنهاد کنی و  
شفاهی از طرف اغلب آقایان شده است  
که قانون استخدام مستخدمین مجلس جزو  
دستور باشد بنده تقاضا میکنم در جلسه آتی  
در درجه اول باشد.

رئیس- تصویب شد.  
آقای آقاسید یعقوب- بلایند این هائی  
که فرمودید باشد.  
رئیس- خبر چه فرمودید؟  
آقاسید یعقوب- خبر در شمسک.  
رئیس- آقای شیروانی  
(اجازه)  
شیروانی- مکرر پیشنهاد کنی و  
شفاهی از طرف اغلب آقایان شده است  
که قانون استخدام مستخدمین مجلس جزو  
دستور باشد بنده تقاضا میکنم در جلسه آتی  
در درجه اول باشد.

رئیس- آقایانیکه مفاد این خبر را  
تصویب میکنند قیام فرمایند.  
(اکثر قیام نمودند)  
رئیس- تصویب شد خبر دیگر قرائت  
میشود.  
(بعضی ذیل قرائت شد)  
آقای سرکشیک زاده نماینده محترم  
تقاضا کرده اند که چون بواسطه کسالت  
مزاج بر طبق تجویز طبیب بهجت معالجه  
باید بارو یا بروم ۴ ماه از تاریخ روز حرکت  
اجازه مرخصی داده شود این تقاضا را مشروح  
داشته تصویب مینماید که از تاریخ روز  
حرکتشان تا مدت ۳ ماه غائب با اجازه باشند  
رئیس- آقایانی که مرخصی ۳ ماهه آقای  
سرکشیک زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند  
(اغلب برخاستند)

رئیس- تصویب شد خبر دیگر  
(باین ترتیب خوانده شد)  
آقای آقا شایخ عبدالرحمن نماینده  
محترم بواسطه کسالت مزاج استعفاء قبیل  
یک هفته کرده اند کمیسیون عذر دوجه ایشان  
را بپذیرفته تصویب مینماید که از تاریخ  
چهارم دلو هفته روز غائب با اجازه نوشته شوند  
رئیس- آقایانی که مرخصی یک هفته  
آقا شایخ عبدالرحمن را تصویب میکنند قیام  
فرمایند.  
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد دستور جلسه  
فردا عرض میکنم بعد از میگریم. اولاً  
خبر کمیسیون مبتکرات راجع با عزام مصححین  
بارو یا. ثانیاً خبر کمیسیون مبتکرات  
راجع بمعافیت ارومیه از تأدیه مالیات. ثالثاً  
خبر کمیسیون مبتکرات راجع بتبدیل تاریخ  
رسمی مملکت بسالهای شمسی قدیم. رابعاً  
خبر کمیسیون فوائد عامه راجع براه بندر  
جز و ضمناً انتهاب دوفتر کسری اعضاء  
کمیسیون نظام.  
آقای آقاسید یعقوب.  
(اجازه)  
آقاسید یعقوب- بنده خواستم عرض  
کنم که لایحه راجع بگرفتن شیره و شیشه مک  
(چون گفته شد که بمری حرف زنند) که کشور  
اولش تمام شده جزو دستور قرار بدهند تا تمام  
شود.

رئیس- بعد از چیزهائی که گفته شد  
در درجه سادس؟  
آقاسید یعقوب- بلایند این هائی  
که فرمودید باشد.  
رئیس- خبر چه فرمودید؟  
آقاسید یعقوب- خبر در شمسک.  
رئیس- آقای شیروانی  
(اجازه)  
شیروانی- مکرر پیشنهاد کنی و  
شفاهی از طرف اغلب آقایان شده است  
که قانون استخدام مستخدمین مجلس جزو  
دستور باشد بنده تقاضا میکنم در جلسه آتی  
در درجه اول باشد.